

دوره نهم تقنینیه

جلسه ۱۰۲

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات اول از دستور)

۴ بهرماء ۱۳۱۳ - ۱۵ جمادی الاخری ۱۳۵۳

شماره مسلسل : ۶۴۶

قیمت اشتراك } سالیانه } داخله : ۷۰ ریال  
خارجه : ۱۰۰ ریال }  
تک شماره : دو ریال

مطبعة مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۳ مهر ماه ۱۳۱۳ \* ( ۱۵ جمادی الاخری ۱۳۵۳ )

## فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس  
(۲) اجازه استخدام محصلین کلاس قضائی در خدمت وزارت دادگله  
(۳) شور اول لایحه اصلاح ماده ۴۵ قانون انتخابات  
(۴) تقدیم لایحه اصلاح ماده ۹ قانون توسعه معابر و تصویب فوریت آن  
(۵) رونق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

( مجلس سه ربح ساعت قبل از ظهر بر بام آفتابى دادگر تشکیل گردید )

صورت مجلس روز سه شنبه ۲۷ شهریور ماه را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند \* \* \*

ماده واحده قبل را تنظیم نموده اینک خبر آن برای تصویب مجلس مقدس تقدیم میشود .

ماده واحده - وزارت داخله مجاز است فارغ التحصیلان کلاس قضائی را با حد اکثر حقوق درجه دو استخدام کشوری برای نیابت حکومت نقاطی که محکمه صلاحیه یا بدایت ندارد استخدام نماید و در صورتی که مطابق قانون فارغ التحصیل های کلاس قضائی بعد از دو سال خدمت رتبه قضائی آنان تثبیت گردید مادام که در وزارت داخله مشغول خدمت هستند ترابع آنان مطابق قانون استخدام کشوری از رتبه اداری شروع میشود که حقوقی در بابتی اول خدمت

## [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ( گفته شد - خبر ) صورت مجلس تصویب شد .

[ ۲ - شور ثانی و تصویب لایحه اجازه استخدام محصلین کلاس قضائی در خدمت وزارت داخله ]  
رئیس - خبر کمیسیون داخله راجع با اجازه استخدام محصلین کلاس قضائی در خدمت وزارت داخله -  
خبر کمیسیون

کمیسیون داخله پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم را که در شور اول لایحه نمره ۱۳۸۱۷ دولت راجع با استخدام فارغ التحصیلانی کلاس قضائی تقدیم کرده بودند با حضور آقای وزیر داخله تحت شور قرار داده در نتیجه

\* \* \* عین مذاکرات مشروح یکصد و دومین جلسه از دوره نهم تقنینیه ( مطابق صورت دادگله ۱۳۵۳ )

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\* \* \* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : افسر - نازی - دکتر طاهری - احمدی - مؤید قوامی - بیات - کازرونیان - عراقی - اعظم زنگنه - اداس خویی - امیرنیکو - انبال - یونس آقاوهاب زاده - پناهی - منصف - کورس - مددل - پودسریزپ - دیرآمدگان بی اجازه - آقایان : دکتر امیر امام - شیرازی - امینداری - محمود نایبی - غریبه تزاده - هراز -

متناسب آن باشد و به مخلفات آنان از قوانین قضائی در وزارت عدلیه بترتیب قانون استخدام قضات و در امور اداری در وزارت داخله رسیدگی خواهد شد.

بصره - فارغ التحصیلان کلاس قضائی که يك الی دو سال در وزارت عدلیه سابقه خدمت داشته باشند حق تقدم خواهند داشت.

رئیس - آقای طباطبائی دیبا.

**طباطبائی دیبا** - بنده در ذور اول این لایحه هم عرض کردم حالاً هم باز میخواهم همان عرایض خودم را تجدید کنم و البته آقایان عرایض بنده را در صورتیکه صحیح باشد در نظر خواهند گرفت. در مملکت ما امروز راجع به محاکم قضائی آنچه حقیقتاً در نظر است برای بودن بودجه کافی ما محاکم قضائی کافی نداریم غالباً در بعضی جاها بلکه در غالب جاها صلاحیه نیست این است که وزارت عدلیه سابق مجبور شد برای نایب الحکومه ها يك شئون قضائی را قائل شد مثلاً در تصرف عدوانی یا اینکه در يك محاکمات دیگری نایب الحکومه ها قانوناً حق دارند مداخله کنند و این حقیقت از روی ناچاری و نبودن بودجه کافی است ولی بنده عقیده ام این است که نبودن بودجه کافی حقیقتاً عذر نیست در صورتیکه ما در قوانین دیگرمان تصریح شده که هیچگاه سابر ما و برین دولت نمیتوانند با امور حقوقی و امور قضائی مداخله کنند باید در تمام سرتاسر مملکت ما محاکم قضائی داشته باشیم و البته تا امروز این مسئله چندان عملی نشده است چنانکه عرض کردم محاکم قضائی در تمام مملکت نداریم این است که فعلاً دولت مجبور شده است که این لایحه را هم تقدیم مجلس کرده که اشخاصی که در کلاس قضائی تحصیل کرده اند آنها این شئون را داشته باشند که در این لایحه ذکر شده ولی بنده عقیده ام اینست حالاً که اینطور است محکمین قضائی که رفته اند تحصیل کرده اند البته يك اشخاصی خواهند بود که لا یقتدر رفته اند تحصیل کرده اند و تصدیق هم گرفته اند یعنی

تصدیق گرفته اند که اینها ایات مداخله در محاکم قضائی دارند در صورتیکه مطلب اینطور است اینها را باید امین صلح قرار داد در جاهاییکه صلاحیه نیست بعضی وظایفی که امین صلح دارد همان وظایف را بعینه باید باین اشخاص داد هیچ فرق ندارد امروز غالباً امتهای صلح از اشخاصی هستند که سابقاً از کلاس قضائی بیرون آمده اند و تصدیق گرفته اند و مشغول خدمت دولت هستند حالا که اینطور است پس باید به آنها همان شئون امتهای صلح را داد والا این چیزی است ناقص و این لایحه يك وضعیت غریبی دارد که اینها هم تابع وزارت داخله هستند هم تابع وزارت عدلیه بنده عقیده ام اینست که یکدفعه باید اینها را رتبه امین صلحی داد و تابع وزارت عدلیه هم باشند منتهی وزارت داخله میخواهد حکومت هم بآنها بدهد مختار است آنرا با يك لایحه دیگر یا يك ترتیب دیگر بآنها حکومت هم میشود داد والا فقط این رتبه را بآنها دادن اسباب زحمت است و آن اشکالات سابق باقی خواهد بود باید در جاهائی که صلاحیه نیست اینها امین صلح باشند و از عهده هم میتوانند برآیند بجهت اینکه رفته اند زحمت کشیده اند تحصیل کرده اند و میتوانند وظایف امتهای صلح را انجام دهند. این عقیده بنده است.

رئیس - آقای مؤید احمدی.

**مؤید احمدی** - فرمایشات آقای دیبا بمفیده بنده جمله اولش همانطور که فرمودند مرجع نظلمات عمومی و رسمی عدلیه است و هیچ مقام دیگری حق تفاوت ندارد لکن خودشان تذکر دادند که بواسطه اینکه دولت چون عجزاً موفق نمیشود در همه جا تشکیلات قضائی را گامو حقه انجام بدهد قانونی خاطراتان مسیوق است که گذشت و به نایب الحکومه ها هم حق دادیم که آنها حق داشته باشند البته تا يك اندازه در قسمت تصرف عدوانی و در قسمت رفع مزاحمت و تا يك مبلغ محدودی هم مدعی به حق دارند ما و برین وزارت داخله محاکمه کنند چون حق داده شد و از طرفی اعتراض درمی که فرمودند

باز در آن قانون هم این اعتراض وارد بود و آنها هم محاکمه شان اینطور بود که از جنبه استخدام در محاکمات اداری وزارت داخله محاکمه میشوند و از جنبه قضائی در محکمه انتظامی پس این لایحه هم عیناً همانست منتهی بنظر بنده يك چیز بهتر دارد بعلم اینست که آنها سابقه تحصیلات قضائی نداشته اند اینها دارند آن اشخاص که رفته اند و تحصیل کلاس قضائی کرده اند و آنها را بعنوان نایب الحکومه میفرستند منتهی در کارهای قضائی هم تا يك حدی مداخله میکنند یعنی همان حقی که سابقاً قانون داده بود به نایب الحکومه ها اینجا در واقع قضیه یکدفعه عکس میشود یعنی آنجا به نایب الحکومه ها حق داده شده بود که تا اندازه در امور قضائی مداخله کنند اینجا به يك نفر مأمور قضائی حق داده میشود که تا اندازه در امور حکومتی مداخله کنند والا از حیث واقع فرق نمیکند و هیچ فرقی میان این لایحه و آن لایحه نیست و از این جهت بنده تصور میکنم موافقت بفرمائید همین طور بگذرد.

رئیس - آقای اعتبار.

**اعتبار** - يك فکری بود بنظر بنده که فکر خیلی خوبی بود که این يك جا يك روز هم اینجا صحبت شد باید اینطور تعمیر کرد که ما مستخدمین خوب قضائی نداریم یا بودجه کافی نداریم بلکه اینطور بنده خیال میکنم که صرفه دولت در اینست که در محلهای کوچکی که هست احتیاج ندارد که تمام ادارات را شعب مخصوصی برایش بگذارند و از طرف دیگر آن مأمورینی که آنجا میروند کارهای زیادی ندارند بهتر اینست که کارها را جمع بکنند حق الامکان و به یک نفر یا دو نفر مأمور دولت واگذار کنند که آنها بتوانند امور مردم را در آنجاها از حیث حکومت و سجل احوال و بالاخره قسمتهاییکه لازم باشد اداره کنند و بنده نظرم اینست که این کارها خیلی خوب است و اینهم يك اصل اساسی است هم از نظر مردم و از نظر دولت و بعد قسمتی که خیلی مهم است و بایستی

دقت بشود انتخاب آن يك نفر است که آن يك نفر را با مطالعه و بالاخره از اشخاصی مجرب که عمل کرده باشند و کار دیده باشند از آنها انتخاب بشود و این وظایف را بهمان بدعت بنده يك پیشنهادی هم در شور اول لایحه تقدیم کردم که این فکر خوب است لکن از مستخدمین و محصلین کلاس قضائی که افتاد و دو سال عمل کرده باشند دو سال سابقه کار داشته باشند بعد بروند آنها هم حاکم باشند هم قاضی باشند این بنظر بنده بد نبود ولی این جا این رعایت نموده اینجا می نویسد بصره فارغ التحصیلان کلاس قضائی که یکی دو سال در وزارت عدلیه سابقه خدمت داشته باشند حق تقدم خواهند داشت پس معلوم میشود که مستخدمین هم که سابقه خدمت داشته باشند قابل استخدامند برای این کار و این بنظر بنده صلاح نیست و نظر بنده اینست که این قسمت حق تقدم را برداشته و بنویسیم مستخدمینی که دو سال در وزارت عدلیه سابقه خدمت داشته باشند این نظر بنده هم منظور وزارت داخله را انجام میدهد و هم منظور ما را و این اشکالی ندارد همین محصلین کلاس قضائی که الان هستند و برای آنها هم کاری نیست ممکن است که آنها را ببرد برای عضویت علی البدل و برای قسمت های آزمایشی آنها را بگذارند زیر دست آنهاست که کار کرده اند و قضات دیگر و از مستخدمینی که دو سال است عمل کرده اند و سابقه دارند و بوضعیت مردم هم آشنا هستند اینها را برای نیابت حکومت و تفاوت انتخاب کنند این يك موضوع بود موضوع دیگری که بنظر بنده میرسد و شاید اینطور نباشد ولی از عبارت اینطور برمی آید و بنظر بنده میرسد که خوب نیست. این جا بنویسد برای نیابت حکومت نقاطی که محکمه صلاحیه یا بدایت این تا محکمه صلحش خوب است ولی رفتی که تجاوز میکند و بحدود بدایت برسد بنظر بنده صلاح نیست و ما حق الامکان باهمی به موضوع قضات اهمیت بدهیم و حقوق مردم را بیشتر از این محترم بداریم و حق الامکان دقت کنیم که تضییع حقوق اشخاص نشود بنده میخواستم از آقای مخبر

تقاضا کنیم که این قسمت بدایت را از این جا برداریم و در آخر ماده هم حق تقدم را برداریم و بطور کلی بنویسیم هر کس دو سال در آنجا خدمت کرده ما او را برای اینکار میگیریم و اشکالی هم ندارد ممکن است وزارت عدلیه از همین محصلین کلاس قضائی که دارد اینها را جای آن دو سال خدمت کرده ما بگذارد و آنها را برای این کار معین کند. يك مطلب دیگر بود که میخواستم این را توضیح بفرمایند که در صورتی که مطابق قانون فارغ التحصیلان کلاس قضائی بعد از دو سال خدمت رتبه قضائی آنان تثبیت گردید. بنده نفهمیدم مقصود چیست این دو سال را باید خدمت کند آنوقت باید فهمید که رتبه اش چیست دو سال باید خدمت بکند تا رتبه قضائیش معلوم شود این چیست؟ و بعد از دو سال خدمت ترفیعیش مطابق قانون استخدام کشوری بعمل میآید یعنی اگر مطابق قانون استخدام کشوری رتبه دویا سه شد مطابق قانون استخدام رتبه چهار میشود و مطابق قانون استخدام کشوری ترفیع پیدا میکند آنوقت تعقیب او اداری خواهد بود یا قضائی و بعلاوه اگر مقصود اداری باشد آنوقت تعقیبش تخلفش در عکمه انظامی چه مورد دارد و اگر مستخدم اداری شناخته شد يك مستخدمی را امروز با رتبه دو اداری می پذیرند و بعد هم بعد از دو سال تثبیت شد رتبه دو شد رتبه سه شد آن وقت ترفیعیش شروع میشود بترتیب اداری این شد مستخدم اداری یعنی آن رتبه قضائی را از دست داده و مستخدم اداری شده است ولی تعقیب این چه علت دارد که يك قسمت در عکمه انظامی بعمل میآید يك قسمتش در محکمه وزارت داخله بمقیده بنده وقتی قاضی شناخته شد باید گفت قاضی است و باید برود بمحکمه انظامی دیگر دو صورت بنظر بنده مورد ندارد یعنی اساساً بنده نظرم این است که وقتی شما باین شخص وظیفه قضاوت را میدهید باید تمام مزایای قضاوت را داشته باشد که قاضی شناخته شود ولی در عین حال هم قاضی باشد هم مستخدم اداری معنی ندارد

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - شاید مناسب تر بود که کسی از طرف دولت در مجلس بود که بیچیدگیهایی که در این لایحه من مشاهده میکنم و سایر آقایان يك توضیحاتی داده میشد و مطلب روشن تر میشد در اطراف این لایحه مذاکراتی که بنده استماع کردم از طرف آقایان رفقا بمقیده بنده سه چهار مرحله پیدا کرده که دو سه مرحله اش مورد بحث شده مرحله اولش باعتقاد بنده خیلی قابل بحث نیست بجهت اینکه بموجب يك قانونی ما این مسئله را تصدیق کرده ایم که نایب الحکومه ها در محلهائی که صلاحیه در آنجا موجود نیست میتوانند در امور حقوقی تا يك مبلغ معینی واریسی کرده باشند آنها با يك مسئولیت و شرایطی که در آقا قانون ذکر شده این زیاد اشکال ندارد که امروز ما همان معنی را فرض کنیم برای يك افرادی که از کلاس قضائی بیرون آمده اند و فارغ التحصیلند میروند در يك محلهائی بعنوان امانت و ریاست صلاحیه آنوقت در ضمن هم بآنها حق بدهیم که کارهایی که مربوط بحکومت است مثلاً اجتمعن بلدیه را تحت نظر بگیرند کارهای حکومتی را همین امین صالح حق داشته باشد رسیدگی کند با این مقدمه من بیشتر شایسته میدیدم که این لایحه اینطور تنظیم میشد که امانت عمل حق واریسی در امور حکومتی هم میداشتند اینطور اگر تنظیم میشد باعتقاد من مفید تر بود از اینکه بنویسیم نایب الحکومه ها حق رسیدگی در امور صلاحیه را دارند بجهت اینکه این افرادی که شما در این قانون معین میکنید میفرمائید این افراد باید فارغ التحصیل باشند از کلاس قضائی پس اینها صاحب منصبان عدلیه شناخته میشوند قانون هم در اینجا اینطور تشخیص داده این اشخاص هم بروند در يك محلهائی مشغول همین کار باشند یعنی امین صالح باشند یا در امور بدایت رسیدگی کنند این صحیح است یعنی مطابق قانون است يك چیزی هم پیش علاوه کنید که این افراد در این محلهها حق رسیدگی یا امور حکومتی هم دارند اینطور بشود يك قدری سلیستر میشود. تشکر میکنم که آقای وزیر داخله تشریف آوردند حالا بنده بطور مختصر

عرضم را تکرار میکنم و میل دارم که گوش بدهند. این لایحه يك قدری بیچیدگی دارد که درست ملتفت نمیشوم این بود که میل داشتم اینجا تفریح و توضیح بشود که باروشنی رأی داده شود نسبت به لایحه بیشتر. برحسب يك قانونی نواب حکومت حق داشتند مداخله کرده باشند در امور حقوقی تا يك میزانی بایك شرایطی رفع احتیاج با آن قانون معلوم شد نقد احتیاج ایجاب کرد آمدن این قانون را که شاگرد های کلاس قضائی بتوانند بیایند نوابت حکومت محلهائی را قبول کرده باشند و در آنجا با امور حقوقی هم رسیدگی کرده باشند بنده را اعتقاد این بود که همه کیفیت صاحب منصب قضائی در این لایحه برای این اشخاص محرز است بجهت اینکه اینها شاگرد کلاس قضائی هستند و فارغ التحصیلند و صاحب منصب عدلیه اند بمقیده بنده اگر این لایحه اینطور تنظیم میشد عقیده ام این است که خیلی از اشکالات رفع میشد که این امینی صالح که میروند در محلهها حق داشته باشند در امور حکومتی دخالت کرده باشند امین صالح است تا يك مدتی در محل این کار را هم که امور حکومتی باشد رسیدگی میکنند این یکی. مطلب دوم در این قسمت لایحه میگوید اشخاصی که با دو سال امرار وقت بانمرین یا خدمت رتبه قضائیشان تثبیت شد یعنی این آدم رفت در وزارت عدلیه یا جاهای دیگر در امانت صالح دو سال خدمت کرد و رتبه قضائیش ثابت شد همچو آدمی که رتبه قضائیش ثابت میشود دو سال دیگر ترفیعیش و ترفیعیش بشکل اداری باشد این آدم که از کلاس قضائی خارج شده دو سال هم خدمت کرده امتحان درست داده رتبه او تثبیت شده است يك چنین آدمی میده ترفیعیش رتبه اداری باشد باید فاعده رتبه قضائی باشد باید روی پایه و ردبان فضا بالا برود چنانچه اینجا برای صاحب منصبان خودشان قائل هستند آن آدم هم باید از آنجا شروع کرده و بیاید بالا این دو مطلب مطلب سوم که من تقیبه در عبارت می بینم اینست که میگوید این آدم را در دوجا

بتخلفاتش رسیدگی میکنند در وزارت عدلیه در محکمه انظامی بتخلفات اداری را در وزارت داخله يك لفظ (وار) در اینجا کسر است (وزیر داخله - بنده با وار موافقت میکنم) خیلی هم موافقت دارید تشکر میکنم که نوشته شود بتخلفات ایشان از قوانین قضائی در وزارت عدلیه بترتیب قانون استخدام قضات و در امور اداری در وزارت داخله رسیدگی خواهد شد این سه مسئله است از طرف من که استدعا میکنم اگر توضیحاتی هست بفرمایند.

وزیر داخله (آقای جم) - آقا درست توجه فرمودید (اورنگ - چهار رتبه خواندم) ممکن است آطوروی که باید توجه فرموده باشید برای اینکه جاهائی که امین صالح داشته باشد البته آنجا این ترتیب اجرا نمیشود امین صالح دارد حاکم هم دارد. در قسمت اینکه فرمودید سابق قانونی بود برای اشخاصی که در امور حقوقی مداخله میکردند معلوم شد کافی نیست این قانون که پیشنهاد شده برای محلهائی است که صلاحیه ندارد و مردم هم احتیاجات حقوقی دارند بایستی يك کسی رفع احتیاجات آنها را بکند برحسب مثال عرض میکنم ملاحظه فرمائید در طبرستان که بایستی اهالی کارشان را بنزدیکترین محکمه رجوع کنند اگر به بیرجند بروند تقریباً هشتاد فرسخ است بابتربت حیدریه بیایند همینقدرها کمتر بابتربت فاصله دارد با جاهای دیگر مثلاً قراچه داغ در آذربایجان دارای هفده باوگ است بکنفر حاکم دارد او هم حق مداخله در امور حقوقی ندارد و مردم هم البته هر جا يك جامعه هست که يك مشاجراتی بینشان هست و يك کسی میخواهد که حل و فصل بکند و یا مضامه و مشاوره دقیقی که در این باب مخصوصاً با آقای وزیر عدلیه اینطور در نظر گرفتیم که مخصوصاً از حیث بودجه هم در مضیقه نیاشیم برای اینکه در يك جائی که نایب الحکومه باید داشته باشد بتوانیم يك اشخاصی را انتخاب کنیم که يك معلومات قضائی داشته باشند که بتوانند رفع حوائج مردم را بکنند و این قسمت

بوم که فرمودید که (وار) اضافه شود بنده موافقت دارم که قضیه روشن شود و این قانون خیلی مفید خواهد بود برای مردم (اورنگ - در آن خصوص موافقت حرفی ندارم) هم مردم راحت خواهند بود هم ما و لازم نیست که فوراً شاگرد کلاس قضائی را با بشکار منصوب کرد البته در پستیهای مهم در تحت نظارت حکام کار میکنند همینکه یک اندازه تجربیات پیدا کردند بمأموریت های جزه منصوب میشوند و امیدوار هستم که اینها یک عده مأمورین خوبی برای وزارت داخله تهیه کنند و در قسمت دیگر که ایراد فرمودید که چرا بشعبران اینها در عدلیه و وزارت داخله رسیدگی میشود این هم طبیعی است وقتی یک کسی سمت قضات دارد اگر تخلفاتی کرد مطابق قانون استخدام قضات با آنها باید معامله شود و اگر در کارهای اداری قصور کرد در محاکم اداری محاکمه میشود.

رئیس - آقای طهرانی -

طهرانی - یک لایحه سابق از کمیسیون عدلیه گذشت ظاهراً خاطر می آید که بمجلس هم آمد که نواب حکومت حق داشته باشند رسیدگی کنند باموراتی بمقتضای بنده بهترین قانونی که با اوضاع و احوال مملکت موافق بود از کمیسیون گذشت برای اینکه این را بایستی اعتراف کنیم بر فرض اینکه بودجه کافی داشته باشیم و بر فرض اینکه اشخاص هم موجود داریم قضاتی هم موجود داریم اوضاع و احوال مملکت ما اجازه نمیدهد که در هر قصبه و در هر دهی در هر جائی که شاید صد نفر سکنه دارد و تا مرکز آن حوزه شاید پنجاه فرسخ شصت فرسخ فاصله اش است یک مأمورینی یک قضاتی بفرستیم با یک مخارج سنگینی که یک دعوی کوچک غیر قابل اعتدائی آنجا حل شود گمان میکنم همه آقایان تصدیق کنند که با اوضاع و احوال مملکت ما یک همچو چیزی صلاحیت ندارد پس اجازه دادن بنواب حکومت برای رسیدگی بامور حقوقی تا اندازه صلاح هست و خوب است فقط بنده یک عرضی که اینجا داشتیم این بود که اساساً ولات و نواب حکومت و کسانی

بیرون آمده یک سمت یابن بزرگی بار بدهید برای اینکه جاکم با نایب الحکومه در یک جائی که هست (مخصوصاً در مشرق زمین و ایران) همه نظر یار دارند همه مردم نظر به آن نایب الحکومه دارند این است که بایستی یک آدم مجرب و جا افتاده باشد که بتواند این کار را بکند بنده عقیده دارم یک کسی که از کلاس قضائی بیرون آمده است نباید بار حکومت هر جائی را داد ولو اینکه یک قصبه کوچکی باشد باید یک مدنی کار بکند یا در وزارت داخله یا وزارت عدلیه یک تجربیاتی پیدا بکند و اخلاقیات طرف اعتماد باشد امتحان اخلاقی هم داده باشد بعد اگر انتخاب بشود خوب است یک موضوع دیگر هم بود که آقای اعتبار تذکر دادند و متأسفانه آقای وزیر داخله هم یک جوابی فرمودند که بنده درست ملتفت نشدم که این عبارت را بنده نمی فهمم در صورتیکه مطابق قانون فارغ التحصیل های کلاس قضائی بعد از دو سال خدمت رتبه قضائی آنها تثبیت گردیده این را بنده نفهمیدم این مقصود چیست این از کلاس قضائی که بیرون می آید دارای رتبه میشود یا نمیشود؟ یا شرط رتبه داشتنش این است که دو سال خدمت بکند بعد رتبه پیدا کند؟ این خدمت را در وزارت داخله باید بکند یا وزارت عدلیه؟ بنده از این عبارت چیزی نفهمیدم یکی راجع بعبارت بود یکی هم راجع به نواب حکومت که از اعضاء مجرب که یا در وزارت داخله یا وزارت عدلیه کار کرده باشند و بالاخره اگر اشخاصی که تجربیاتی داشته باشند انتخاب بشوند بهتر است.

وزیر عدلیه (آقای صدر) - قسمت دوم که آقای طهرانی توضیح خواستند چون در قانون فارغ التحصیل های کلاس قضائی این طور است که وقتی وارد خدمت میشوند حقوق میگیرند لکن دو سال که خدمت کردند بعد محکمه انظمامی رسیدگی میکند و طرز خدمت و صلاحیت آنها را در نظر میگیرد در صورتیکه آنها را لایق دید و عملیات گذشته آنها دلیل لیاقت آنها بود تصدیق لیاقت آنها را میکند و رتبه آنها تثبیت میشود و اگر تصدیق نکرد از کار خلع میشوند

این فید در آن قانون بوده است در اینجا هم ذکر شده است که مخالف با آن باشد و اما در قسمت اول که فرمودند گویا تصور کردند فارغ التحصیل های کلاس قضائی شاگردهای مدارسند که مطابق یک سن معینی مشغول خدمت بوده اند خیر کسانی هستند که در ادارات مشغول خدمت هستند نشان هم گاهی کم است گاهی زیاد است بعضی هاشان هم سابق خدمت زیاد دارند و آمده اند معلوماتی هم تحصیل کرده اند در قسمت قضائی تقریباً اینها آمده اند یعنی و متبقی هستند زیرا که هم در عمل و کارهای اداری وارد بوده اند و هم تحصیلات قضائی کرده اند عمده اساس این است که امروز باید روی معلومات کار کرد یعنی در چیز معلومات و تربیت و معلومات همان است که در کلاسها تحصیل میشود تربیت هم البته اگر تربیت خارجی و اداری شان خوب باشد البته آنها گذاشته میشوند و اشخاص نا لایق نباید گذاشته شوند این را دو وزارتخانه در نظر دارند وزارت داخله از نقطه نظر حکومت و مردم داری وزارت عدلیه از نقطه نظر قضائی هر دو وزارتخانه این نظر را در تعیین اشخاص خواهند کرد و موجب نگرانی نخواهد بود

رئیس - پیشنهادی از آقای اعتبار رسیده است قرائت می شود.

پیشنهاد میکنم در سطر دوم ماده واحد جمله یا بدایت حذف شود.

رئیس - آقای اعتبار - بنده اشکالاتی داشتم متأسفانه آقای وزیر داخله و آقای وزیر عدلیه تشریف نداشتند که عرایضی را که کردم توجه فرمایند آقای وزیر عدلیه استدعا میکنم موضوعی را که بنده میخواهم عرض کنم توجه فرمائید بنده اساساً همانطوری که عرض کردم کاملاً موافق هستم که هر قدر که ممکن است مأمورین را کم بکنند و در یک نقاط کوچکی که چندین مأمور از چندین وزارتخانه مکلفند آنجا باشند کار ندارند یک مأمور میتواند آن کارها را انجام بدهد مثل صاحبیه مثل احصائیه و اینها ولی از آنطرف هم بنظر

بنده لا ایلای عدلین بامر قضاوت هم برای ما مضر است بنظر من موضوع قضاوت و موضوع حقوق مردم يك اصل است که بایستی کاملاً رعایت بشود. بنده قیامت صلح و موافقت چشم با اینکه با اختیارات امین صلح مطابق قوانین که داریم اختیارات مستطقی را دارد اختیارات مدعی المهور را هم دارد اشخاص را توقیف کند میتواند بالاخره يك مبلغ معلومی را اظهار عقیده بکنند برای بدهد حکم بدهد ولی قسمت بدایت را بنده موافق نیستم که اگر يك مجاری بدایت احتیاج دارد و استمداد داشتن يك محکمه بدایت را دارد ما بگوئیم که آنجا يك نایب المحکومه بگذاریم که آن نایب المحکومه از شاگرد های کلاس قضائی خواهد بود و او بتواند اختیارات قضائی حاکم بدایت را هم داشته باشد این بنظر بنده صلاح نیست و این کلمه بدایت را خوبست آقایان موافقت نفرمایند برداریم فقط قسمت فاصلیه کافی است برای اینکه اگر دیدیم بعد از این قسمت میشود برویم بدایت را هم ممکن است ضمیمه کنیم زیرا محکمه بدایت نه فقط قضا که است يك عده اعضاء دیگر دارد عضو علی البدل دارد کیفیت دیگری دارد که این کیفیت بالاخره بایک نایب المحکومه درست نمیشود. يك پیشنهاد دیگری هم بنده عرض کرده ام که حالا توضیح میدهم آن هم بنظر بنده عقید است و آن راجع به محصلین کلاس قضائی است بنده در شور اول پیشنهاد کردم این نایب المحکومه ها از محصلین استخدام میشوند که اولاً یکسال دو سال در وزارت عدلیه خدمت کرده باشند نظرم این بود که البته آقایان در مرکز یا در ولایات بعنوان عضو علی البدل وقت های دیگر از ما پیش گرفته باشند و با وضع آشنا باشند حالا که در وظیفه را باید انجام میدهند که هم حاکم باشند هم امین صلح يك اشخاصی باشند که مجرب فرمایند و ما بایستی بیشتر رعایت کنیم که حقوق اشخاص تضییع نشود باین جهت بنده پیشنهاد کردم که اینها را از مستخدمین وزارت عدلیه که یکی دو سال سابقه خدمت در وزارت عدلیه داشته باشند استخدام کنند و اشکالی هم برای وزارت عدلیه ندارد زیرا میتواند از مستخدمین

فعلی و اعضاء علی البدل که از کلاس قضائی ما غیر کلاس قضائی بیرون آمده اند و از خدمات آنها راضی هستند از این قبیل ما دورین روزارت داخله بدهند و از محصلین کلاس قضائی که امروز بیرون می آیند برای عضویت خودش بپذیرد که اینها هم در ضمن عمل تجربه پیدا کنند بنده این دو نظر را داشتم یکی کلمه بدایت را بردارند یکی هم این حق تقدم را بردارند و فقط از مستخدمینی انتخاب کنند که یکسال دو سال سابقه خدمت در عدلیه داشته باشند

**ولیر عدلیه** - قسمتهایی که آقا فرمودند عملاً ملحوظ خواهد شد و همینطور هم اقدام میشود اولاً اینجا نوشته شده در تقاضی که محکمه صلحیه بدایت ندارد مقصود این است که هیچکدام را ندارد یعنی اگر یکی از آنها را دارد نمیتوان این اقدام را کرد البته در ولایاتی که اهمیت داشته باشد باید بدایت تاسیس شود تاسیس خواهد شد چنانکه تا بعد شده است در بعضی جاها و در جاهایی هم که اقتضای زیادی داشته باشد تاسیس خواهد شد و آنجا هایی که اقتضا دارد که خصوصاً امور عدلیه باشد صلحیه تاسیس میشود مثل طبس که آدی وزیر داخله مثل زندان اتفاقاً گفته ایم همین چند روز صلحیه تاسیس شود اما آنجا هایی که بود چه اکتفا نمیکند که يك جا نایب المحکومه باشد و يك جا امین صلح این جاها را خواستیم جمع کنیم و مقصود نقاط خیلی کوچک است. بنا بر این اشکالی ندارد. این را که فرمودید دو سال خدمت کرده باشد بپذیرند و قید شود. این را در عمل باید رعایت کرد و در قانون همینقدر کافی است در تبصره هم گذاشته شده است اشخاصیکه يك الی دو سال در وزارت عدلیه سابقه خدمت دارند حق تقدم دارند. و بر عهده این دو وزارتخانه است که از هر جهت رعایت کفاف مصالح و احتیاجات مردم را بنمایند و رعایت هم خواهد شد.

**ولیس** - آقایانیکه پیشنهاد آقای اعتبار... (اعتبار - بنده پس میگرم) پیشنهاد دیگران قرائت میشود: پیشنهاد دیگر آقای اعتبار

پیشنهاد میکنم در تبصره جمله حق تقدم خواهند داشت حذف شود.

**ولیس** - آدی اعتبار.

**اعتبار** - بله بنده عرض ندارم جز آنکه عرض کردم حالا اگر موافقت نمیفرمائید پس میگرم.

**اورنگ** - اضافه لفظ (واو) را آقای وزیر داخله موافقت فرمودند.

**ولیس** - آدی وزیر داخله اینطور است ۱ (وزیر داخله - بل) آقایانیکه باماده واحده با اصلاح مختصری که شد موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

**۴ - شور اول اصلاح ماده ۴۵ قانون انتخابات**

**ولیس** - خبر کمیسیون داخله راجع باصلاح قانون انتخابات مطرح است:

کمیسیون داخله در جلسه ۱۷ شهریور ماه ۱۳۱۳ باحضور آقای وزیر داخله تشکیل و لایحه نمره ۵۰۸۶ دولت راجع باصلاح ماده ۴۵ قانون انتخابات را مورد بحث قرار داده و با توضیحاتی که آقای وزیر داخله دادند باین لایحه پیشنهاد دولت موافقت حاصل شده اینک خبر آن را برای شور اول تقدیم مینمایم.

**ولیس** - عین لایحه پیشنهادی دولت:

ماده اول - ماده ۴۵ قانون انتخابات وقت مربوطه به تعیین حوزه انتخابیه ایلات که در جدول منضم بقانون مزبور ذکر شده از تاریخ تصویب این قانون ملغی است.

ماده ۲ - کسانیکه سابقاً بدلت عشایری زندگانی میکردند از این بیه مثل سایر افراد ملت در جزء سکنه علی که آجا اقامت دارند در انتخاب نماینده خود شرکت خواهند نمود - جدول حوزه های انتخابیه ضمیمه قانون انتخابات بطریقی که در صورت منضمه باین قانون ترتیب داده شده اصلاح میشود.

ماده ۳ - وزارت داخله ماه و اجرا این قانون میباشد.

**ولیس** - مذاکره در کلیات است آقای وزیر احمدی **ملوک احمدی** - حقیقتاً بنظر بنده این لایحه از لوازمی است که ما باید در اطراف او خیلی بروز احساسات کنیم مخصوصاً ما شخصی که در ولایات زندگانی میکردیم و در اطرافمان عشایری بودند و می دیدیم که این عشایر در زمان قدیم با مردم چه قسم سلوک میکردند خدا گواهدت خود بنده خاطر دارم در ۱۳۲۷ قمری که در طهران يك انقلابی بود از حدود ایالت فارس قریب هزار و پانصد نفر سوار ابلاتی با چماق نفره و آبداری از سرحدات سرجان و رفتنیدان و زند و راورد الی خط خراسان را غارت کردند این وضیعت شهرها بود. و حقیقتاً اگر چه از سوم اسفند ۱۲۹۹ که روز طالع کوكب سعادت ایران است که باسروز بقدری قضایای مهمه در این مملکت پیش آمده که هر يك از آنها جزء آمال و آرزوهای ایرانیان بود و تصور انجامش را هم نمیکردیم و عمل عادی بنظر میآمد بنده فعلاً تمبخواهم که داخل در موضوعات بشوم و هر يك را اشاره کنم که چه قسمت کار های مهم اساسی در این مملکت در ظرف این چند سال که مدتش هم کم بوده است شده است آنها را تمبخواهم عرض کنم عجلتاً بنده يك موضوع را که بعقیده بنده يك موضوع اساسی بزرگی است برای مملکت تمبخواهم عرض کنم مملکتی که در اطرافش ایلات و عشایر زیاد با لباس و عقاید مختلف و همه مسلح و امنیت را بکلی از آن سلب کرده بودند بتوجهات خاصه اعلیحضرت همایونی تمام آن موضوعاتی که ما فکر تمبکردیم انجام شود انجام شده و این موضوع هم بحمد الله متدرجاً در ظرف اینچند سال به طرف خوبی انجام گرفته است و امروز بکلی مسئله عشایر و خان خانی و ایلات بکلی از مملکت رفته است. هرگاه به تاریخ ایران رجوع کنیم بتواریخ مختلفه از وقتی که تاریخ به ما نشان میدهد هیچیک از سلاطین بزرگ نامی ایران که اسمی از آنها در تاریخ ذکر شده و اصلاحاتی کرده اند موفق باین اصلاح اساسی نشده اند که ایلات ایران را خلع اسلحه بکنند بدوره خان خانی و ملوک الطوائفی

ایران خوانده بدهند ملی میگویم قلم هم بنویسد تاریخ هم ضبط میکند که در دوره ششمین پهلوی باین موضوع خانمه داده شد و دیگر در ایران ایل موضوع ندارد. علاوه از اینست و استقلال قیامه معاشرت با این وضع اسف آور که بیک عده مسلح خانه بدون در اطراف مملکت در گردش و بیلاق و قتلاق باشند مناسب با مملکت شاهنشاهی ایران بوده و بجهت آنکه امروز این موضوع از میان رفته لکن بنده بیک موضوعی دلتتم که می خواستم تذکر بدهم چون به جدول مراجعه کردم در آن قسمتی که راجع بود به پنج ایل که پنج وکیل مستقل داشته آنرا بجهت اصلاح کردند و باسانی عمل ها کردند که دیگر عشایر موضوع ندارد. ولی باز در جدول دو نقطه ایست که اسمی از ایلات هست این بود که بنده لازم دلتتم تذکر بدهم و پیشنهاد کنم که آن در موضوع هم از بین برداشته شود و آنست در جدول انتخابات کرمان است که در موضوع سیرجان در قانون مینویسد در جدول قانون انتخابات مصوب ۲۹ شوال ۱۳۲۹ قمری که مینویسد سیرجان و ایلات سته چون در آنجا شش ایل بود ایل قرانی قچاقچی و خراسانی و ایلات کوچک کوچک مقصود این است که در جدول ایلات سته را هم باین در نظر گرفت که برداشته شود بعد در قسمت اقطاع ایل افشار و ایل لک بمقتده بنده این دو اسم ایل افشار و لک هم در جدول اقطاع باید برداشته شود. حالا که بتوجهات اعلیحضرت این موضوع بکلی از میان رفته اسمی هم از آن نبوده و شایع ویرکی هم از او باقی نماند آنها بیکه وکیل مستقل داشته گفتیم که بیایند و در جزو باشند و آن ایلاتی که جزء حوزه انتخابی بودند باید اسمشان برداشته شود و در جدول انتخابات نباشند و در مراکز انتخابات شرکت کنند. این را خواستم تذکر بدهم

**وزیر داخله** - بنده موافقم با این اصلاحی که پیشنهاد کردید

**رئیس** - عجلایه شور اول است در کویس چون باید شور ثانی اصلاح شود. آقای طباطبائی دیبا (حاضر نبودند)

آقایان بیکه بورود در مواد موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد مواد قرائت میشود : (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱ - ماده ۴۵ قانون انتخابات و قسمت مربوط به تعیین حوزه انتخابیه ایلات که در جدول منضم بقانون مزبور ذکر شده از تاریخ تصویب این قانون ملغی است

ماده ۲ - کدائیکه سابقاً بحدکث عشایری زندگانی میکردند از این بعد مثل سایر افراد ملت در جزو مملکت محلی که آنجا اقامت دارند در انتخاب نماینده خود شرکت خواهند نمود - جدول حوزه های انتخابیه ضمیمه قانون انتخابات بطریق که در صورت منضمه باین قانون ترتیب داده شده اصلاح می شود.

ماده ۳ - وزارت داخله مأمور اجرای این قانون میباشد.

**رئیس** - ماده اول مطرح است. در ماده اول نظری نیست؟ (اظهار نشد) در ماده دوم نظری نیست (خیر) در ماده سوم هم نظری نیست؟ (خیر) پیشنهادت را میخوانیم بعد رأی میگیریم بورود در شور دوم

**پیشنهاد آقای مؤید احمدی**

پیشنهاد میکنم در جدول انتخابات سیرجان لفظ ایلات سته و ایل افشار و لک حذف شود.

**پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا**

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی پیشنهاد می نمایم اصلاح جدول بترتیب ذیل باشد.

۱ - در ایالت آذربایجان حوزه واحده اردبیل و مشکین و خلخال مبدل بسه حوزه میشود.

اسمی نقاط جزء

اردبیل	نمین و لکیج و آستارا	۱ نفر
مشکین	اجارود درمغان پيله سوار	۱ نفر
خلخال	کاغذکنان - خواستدگان	۱ نفر

هرآباد و نواح آن ال آخر

**پیشنهاد آقای دهستانی**

مقام معظم ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته چون در ماده ۴۱ قانون انتخابات برای پذیرفتن شکایات يك هفته معین نموده و يك هفته دیگر هم برای رسیدگی به شکایات معلوم کرده و بطوری که در عمل مشاهده شده با اینکه شکایتی هم بانچه من فرسیده باشد معهذا انچه من بواسطه انجام تشریفات قانونی يك هفته هم بی جهت معطل میگردد و نظر باینکه با بودن شکایات دیگر موردی برای رسیدگی نیست و این معطلی يك هفته جز اتلاف وقت هیئت انجمن و خرج بی ربط نتیجه نخواهد داشت اینست پیشنهاد ذیل را تقدیم میکنم که بقسمت اخیر ماده ۴۱ ویا ماده ۲ این قانون اضافه شود.

**نصره** - هرگاه در ظرف يك هفته شکایاتی بانجه من فرسیده باشد و يك هفته رسیدگی بشکایات که در ماده ۴۱ معین شده موردی نداشته باشد هیئت انجمن میتواند منتظر انقضای مدت يك هفته که برای رسیدگی بشکایات مقرر شده نگردد و با شکایات خانمه دهد.

**رئیس** - آقایان بیکه بورود در شور دوم این لایحه موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

**۴ - تقدیم لایحه اصلاح ماده ۹ قانون توسعه معابر و تصویب فوریت آن**

**رئیس** - آقای وزیر داخله کاری داشتید؟

**وزیر داخله** - خاطر محترم آقایان مستحضر است که در سال گذشته لایحه از مجلس شورای ملی گذشت و راجع بتوسعه معابر ماده ۹ آن مربوط است به محصور کردن اراضی و خرابه هائی که در شهرها هست. در اجراء برای بلدیها و وزارت داخله تولید يك اشکالی کرده این است که برای اصلاح آن يك پیشنهادی تهیه شده و استدعا میکنم بیک فوریت از مجلس بگذرد.

(بشرح آتی قرائت شد)

ساحت محترم مجلس شورای ملی نظر باینکه در عمل اجرای ماده ۹ قانون توسعه معابر تولید اشکالاتی نموده و بلدیها را باین سلسله دعاری لابنتحل مواجه مینماید. بنا بر این مواد ذیل را پیشنهاد و تصویب آنرا بقید يك فوریت تقاضا دارد.

ماده ۱ - ماده ۹ قانون توسعه معابر بشرح ذیل اصلاح میشود. در مواردی که اراضی با بنای خرابی در معابر حوزه بلدی موجود ولی محصور باشد و منافی با نظافت و زیبائی شهر باشد بعد از اخطار کتبی بلدی به مالک یا متولی آن زمین یا بنای مالک و متولی مکلف هستند که در ظرف ده روز بعد از اخطار کتبی بلدی شروع بساختن بنای یا دیوار نموده و در مدت متناسبی تمام نمایند.

هرگاه مالک یا متولی حاضر برای ساختمان بنای یا دیوار نشود بلدی به خرج مالک با عوارض موقوفه (اگر عوارضی داشته باشد) دیوار متناسبی با وضعیت محل ساخته و مخارج آنرا از مالک یا متولی مطالبه مینمایند و در صورت تعالی بلدی مجاز است معادل مخارجی که نموده از عین ملک (غیر موقوفه) تصرف و یا بمرمتش فروش برساند.

ماده ۲ - در مواردی که اراضی مالک معین نداشته باشد بلدی در ساختمان دیوار اقدام و معادل مصارفی که مینماید از عین ملک به تقربم عاقله تصرف خواهد نمود.

**رئیس** - فوریت مطرح است. آقایانی که با بیک فوریت این لایحه موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

**۵ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه**

**رئیس** - اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده سه شنبه دهم مهرماه سه ساعت قبل از ظهر دستور شور ثانی لایحه انتخابات و شور همین لایحه.

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

**رئیس مجلس شورای ملی** - دادگر

## قانون

### راجع به استخدام فارغ التحصیل های کلاس قضائی در وزارت داخله

ماده واحده - وزارت داخله مجاز است فارغ التحصیل های کلاس قضائی را باحد اکثر حقوق رتبه دو استخدام کشوری برای نجات حکومت قاطبی که محکمه صاجیه با بدایت ندارد استخدام نماید و در صورتی که مطابق قانون فارغ التحصیل های کلاس قضائی بعد از دو سال خدمت رتبه قضائی آنان تعیین گردیده مادام که در وزارت داخله مشغول خدمت هستند ترتیب آنان مطابق قانون استخدام کشوری از رتبه اداری شروع میشود که حقوق دریافتی اول خدمت متناسب آن باشد و به نخلات آنان از قوانین قضائی در وزارت عدلیه برترتیب قانون استخدام قضات و در امور اداری در وزارت داخله رسیدگی خواهد شد.

تبصره - فارغ التحصیل های کلاس قضائی که يك االی دو سال در وزارت عدلیه سابقه خدمت داشته باشند حق تقدم خواهند داشت این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه سوم مهر ماه یکم هزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر